

نقش مسجد ارک تهران در تحولات سیاسی انقلاب اسلامی ایران



اشاره:

واژه ارک و ارگ]. از آنجا که مسجد مورد نظر مکانی برای انجام مراسم مذهبی زنان دربار بوده است، لذا اطلاق کلمه ارک (نه ارگ) به مسجد مذکور، با توجه به تناسبش به معنای اول صحیح تر به نظر می‌رسد. به علاوه، برخی کتب دوره قاجاریه نیز از واژه ارک استفاده کرده‌اند. [سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۳، ۹۶۷]

نام قدیم خیابان مذکور، به سبب وجود عمارت کامران میرزا نایب السلطنه، وزیر جنگ ناصرالدین شاه در آن، خیابان نایب السلطنه بود. پس از تأسیس کاخ دادگستری، این خیابان به نام داور معروف گردید.

این مسجد با قدمت چندین ساله خود، جزء مجموعه بزرگتری به نام ارگ سلطنتی و در جنوب شرقی آن قرار داشت. بنیاد ارگ سلطنتی و بعضی ساختمانهای آن از دوره صفویه بود و با روی کار آمدن سلسله قاجاریه، تغییرات اساسی در آن داده شد. مسجد ارک که به نام مسجد مادر شاه نامیده می‌شد، در عصر ناصرالدین شاه و به فرمان مهدعلیا و توسط امیرقاسم خان قوانلو قاجار فرزند امیر سلیمان اعتضاد السلطنه ساخته شد و در اواخر عصر ناصریت تجدید عمارت گردید. [بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۴، ۳۲۷] مسجد در دو طبقه ساخته شده بود: طبقه اول مخصوص مادر شاه و زنان درباری بود و طبقه دوم اختصاص به کنیزان و زنان درباری درجه

درباره نقش کانونهای مذهبی از جمله مساجد، در تداوم و تحولات انقلاب اسلامی تاکنون مطالب تحقیقی اندکی به رشته تحریر در آمده است. آنچه که در این باره نوشته شده است، بیشتر دارای چارچوبی است ذهنی و پیش فرضهای موجود، که ملهم از فرهنگ و ذهنیت نویسندگان آن است. لذا در این رهیافت بسیاری از کسانی که از درک عوامل شکل دهنده انقلاب ناتوانند و بر اثر این ناتوانی، گاه به ارائه فرضیات غیرمستند و غیرقابل پذیرش اکتفا می‌کنند. در حالی که از اصلی‌ترین عامل انقلاب؛ یعنی انگاره‌های مذهبی و سیاسی که برآمده از کانونهای مذهبی و مساجد بود، غافل می‌مانند. این مقاله در واقع کوششی برای بازشناسی این انگاره‌ها در یکی از مساجد مشهور تهران، یعنی مسجد ارک است.

سابقه تاریخی

مسجد ارک تهران در خیابان داور و در حوالی میدان ارگ (۱۵ خرداد) قرار دارد. «ارک» در لغت به معنای قلعه‌ای است که درون بارو و قلعه‌ای دیگر قرار دارد و مکان اقامت پادشاه یا حاکم آن ناحیه است. «ارک» نیز به معنای قلعه کوچکی است که در میان قلعه‌ای بزرگ سازند. [ر. ک: لغت نامه دهخدا ذیل

ساختمانهایی که از سیاستهای شبه مدرنیستی رضا شاه در امان نماند، مسجد ارک بود. زیرا برای توسعه خیابانهای اطراف مسجد قسمتهایی از آن تخریب گردید و بعدها در سال ۱۳۱۹ ه. ش جزء وزارت پیشه و هنر گردید. [آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره ۲۸۸ - ۸۲۸، ۱۱۸]

اگرچه ساختمان مسجد ویران شده بود، ولی هنوز بقایایی از آن وجود داشت. در دوره محمد رضاشاه تصمیم قطعی اتخاذ گردید که ساختمان مسجد باید به کلی ویران و جزء وزارت اقتصاد گردد. در همین زمان یکی از کارمندان آن وزارتخانه از این قضیه آگاه گردید و موضوع را به اطلاع آیت الله بروجردی، مرجع وقت شیعیان، رساند. اگرچه در همان زمان ایشان چندین بار برای دولتهای وقت پیغام فرستاده بود تا از تخریب مسجد مادر شاه (ارک) جلوگیری شود، اما این درخواست بدون پاسخ گذارده شده بود. تا اینکه به ایشان خبر رسید که تخریب کامل مسجد ارک شروع شده است. لذا در آذر ماه ۱۳۲۷ ه. ش به مرحوم محمد تقی فلسفی نامه ای نوشت تا شاه را ملاقات کند و ضمن بیان علاقمندی ایشان به حفظ موقعیت سلطنت، تأثیر سوء بی توحی مقامات دولتی را نسبت به این امر که به ضرر مقام سلطنت نیز هست و اثر نامطلوب خواهد گذاشت، بازگو نماید. [ر. ک: خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی، سند شماره ۱۷، ۵۰۱] به دنبال ملاقات مرحوم فلسفی با شاه و دستور شاه به نخست وزیری برای بررسی این موضوع، سرانجام هیئت وزیران در ۳۰ دیماه ۱۳۲۷ تشکیل جلسه داد و پس از رایزنی و مشورت، مسجد را به آقایان فلسفی و حاج رضا شهبوری، نمایندگان آیت الله بروجردی، تحویل دادند تا در امور مسجد به هر نحوی که صلاح می دانند، عمل کنند. [ر. ک: خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی، سند شماره ۱۸، ۵۰۲]

به هر حال با تلاشهای آیت الله بروجردی مسجد از نابودی کامل رهایی یافت، ولی بزرگترین مشکل موجود این بود که مسجد چندان قابل استفاده نبود، زیرا به خیابان راه نداشت. لذا کوششهای اولیه برای بازسازی مسجد و گشودن راه به خیابان آغاز شد. در همان زمان، برای بازسازی مسجد به عده ای از رجال متمول مراجعه کردند، اما تنها محمد حسین کاشانی مسئولیت بازسازی کامل مسجد را به عهده گرفت. وی با صرف هزینه بالایی، مسجد را با همت معمار مشهور لرزاده مجدداً در همان جایگاه اولیه اش و بر روی ویرانه های مسجد مادرشاه تجدید عمارت کرد. لازم به ذکر است که آقای کاشانی از بازاریان مشهور تهران بود و سابقه ای درخشان در امور خیریه داشت و بناهای فراوانی در اماکن مقدسه، از جمله کربلا به هزینه او ساخته شده بود. [مصاحبه با جواد کاشانی فرزند محمد حسین کاشانی، واقف مسجد]

مسئله واگذاری زمین به مسجد برای گسترش صحن و باز شدن درب اصلی آن به خیابان مدتها در هیئت دولت در حال بررسی بود، تا سرانجام در دیماه ۱۳۳۴ ه. ش موافقت شد که حدود ۲۱۹ متر زمین به مسجد اهدا شود که با عملی شدن آن، مشکل باز شدن در مسجد به خیابان اصلی نیز رفع شد.

افتتاح مسجد و آغاز فعالیت سیاسی

پیش از سخن درباره فعالیت سیاسی مسجد ارک، باید به دو



دو داشته است. [شهری، تهران قدیم، ۸۸]

در خصوص انگیزه مهدعلیا از ساخت این مسجد در محدوده ارگ، منابع عصر قاجاری اشاره ای نمی کنند، اما احتمال می رود که مادرشاه برای دور ماندن از مردم و اختصاص دادن جایگاهی برای عبادت خویش و دیگر زنان شاه، دستور ساخت چنین مسجدی را در حصار ارگ داده است.

چون در آن زمان شایع شده بود که ساختن مسجد و بجای آوردن نماز در آن به علت مجهول المالک بودن اراضی ارگ اشکال شرعی دارد، لذا برای رفع این مشکل اراضی ارگ را از مرحوم شیخ عبدالحسین، مجتهد بزرگ پایتخت، اجاره نمودند تا برای گزاردن نماز حلیت داشته باشد. روزنامه «وقایع الاتفاقیه» با اشاره به این موضوع می نویسد: «... جناب اشرف امجد صدراعظم افخم مقرر داشتند که اراضی مجهول الحال ارگ را از جانب مجتهدالزمان شیخ عبدالحسین برای حلیت و اباحه نماز اجاره کنند. . . که برای جمیع مسلمین و مؤمنین حلیت داشته باشد. . .» [وقایع الاتفاقیه، شماره ۲۶۱]

از وضعیت مسجد ارک تا اواخر عصر قاجار و اوایل روی کار آمدن سردار سپه و آغاز دوره پهلوی اطلاعی در دست نداریم. تنها پس از تثبیت حکومت پهلوی و در زمان رضا خان است که تغییرات اساسی در ارگ سلطنتی و مسجد ارک داده شد. روند به قدرت رسیدن رضاخان که حاصل سیاستهای بریتانیا و تعامل عده ای از رجال سیاسی ایران بود، با کودتای ۱۲۹۹ ه. ش آغاز شد و در سال ۱۳۰۴ ه. ش با تاجگذاری او به اوج خود رسید. رضاشاه از همان ابتدا رسالت خویش را در تجددطلبی جستجو می کرد و در این رهگذر مظاهر فرهنگی و سنتی عصر قاجار را مانعی بزرگ در راه تجددطلبی خویش می دانست. لذا دست به تخریب چهره سنتی و فرهنگی شهر تهران و بسیاری دیگر از شهرهای ایران زد؛ آنچه که به عنوان «محو آثار دوره قاجاریه» تلقی می شد.

اجرای سیاستهای شبه مدرنیستی رضاشاه را در تهران، یک نظامی ناآگاه به نام بوذرجمهری (ریاست بلدیه) به عهده گرفت. وی در سال ۱۲۶۵ ه. ش متولد شده بود و در خلال سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۲ ه. ش به عنوان اولین شهردار تهران به انجام مسئولیت پرداخت. [موسوی، شهرداران تهران، ۶۳] در همین سالها بود که بسیاری از اماکن قدیمی شهر تهران تخریب گردید. از جمله

نکته توجه کرد:

۱. سابقه تاریخی و قدمت این مسجد، موجب ایجاد محبوبیت ویژه این مکان مقدس در میان مردم شده بود.

۲. موقعیت جغرافیایی و استراتژی مسجد ارک بسیار مهم و حساس بود. مسجد در بازار تهران و در کنار ادارات مهم دولتی از جمله اداره رادیو، کاخ گلستان، کاخ دادگستری، وزارت اقتصاد قرار داشت. با توجه به آنکه مسجد محل رجوع عده زیادی از بازاریان تهران بود و بازاریان سابقه‌ای درخشان در مبارزات ضد استبدادی از جمله در انقلاب مشروطیت داشتند، لذا رژیم سعی کرد کنترل خاصی بر این مسجد اعمال کند.

چنانکه گفتیم مسجد با حمایت آیت الله بروجردی و مساعدت مالی محمد حسین کاشانی ساخته شد. در شب افتتاح مسجد که مصادف با شب آخر ماه شعبان سال ۱۳۲۱ ه. ش بود، جمعیت زیادی حضور پیدا کرده بودند. در آن زمان اوضاع جامعه به دلیل حوادث ناشی از ملی شدن صنعت نفت التهاب سیاسی فراوانی داشت قرار بود دکتر مصدق برای دفاع از حقوق ایران در مسئله نفت به دیوان بین‌المللی لاهه برود. به هر حال سیل جمعیت آن شب منتظر شنیدن مطالبی در این زمینه بودند، اما سخنران مجلس، مرحوم فلسفی، بنا به دلایلی به این موضوع اشاره‌ای نکرد و فقط گفت: «خدایا کسانی که به نفع کشور و ملت ایران و نفع اسلام هر گونه فعالیتی دارند، مؤید و منصور بدان». [خطرات و مبارزات فلسفی، ۱۵۵]

اگرچه در اولین روز افتتاح این مسجد، حرکت به ظاهر مهمی صورت نگرفت، اما نوید بنای پایگاهی مهم برای همه خداجویان مصلح در همان مراسم افتتاحیه به گوش رسید. به گونه‌ای که به اعتقاد برخی از شاهدان و حاضران آن وقایع، اصل و منشاء راهپیمایی‌های مقارن سال ۱۳۳۲ و پس از آن، از مسجد ارک دنبال می‌شد و به میدان بهارستان ختم می‌گردید. [مصاحبه با حبیب‌الله عطایی]

فعالیت جدی سیاسی مسجد ارک از ماجرای انجمن‌های ایالتی



و ولایتی آغاز شد. جریان واقعه به این شرح است که رژیم پهلوی در ۱۶ مهرماه ۱۳۴۱ لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در هیئت دولت و در غیاب مجلس که تا سال ۱۳۴۲ تعطیل شده بود، به تصویب رساند. در قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی همچون قانون انتخابات مجلس شورای ملی، سه موضوع مهم در شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان وجود داشت:

۱. متدین به دین اسلام و عدم فساد عقیده
۲. تحلیف به قرآن
۳. عدم حق رأی به زنان [مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ۲۵۷]

در تصویبنامه جدید به زنان حق رأی داده شد و قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان برداشته شده بود. علاوه بر این در مراسم تحلیف و قسم خوردن به جای قرآن، کتاب آسمانی نوشته شده بود. شاید در ظاهر تصویبنامه مطلوب به نظر برسد، ولی در آن زمان رژیم اهداف خاصی را دنبال می‌کرد که اسلام زدایی در سرلوحه آن قرار داشت. در واقع هدف رژیم از برداشتن قید قرآن در تحلیف نامه، گشودن راه برای نمایندگان فرقه بهائیت بود، که در آن زمان به شدت علیه اسلام فعالیت می‌کردند. البته تحلیل و تفسیر تصویبنامه در این مقال نمی‌گنجد، اما آنچه قابل اهمیت است این است که به محض انتشار خبر این تصویبنامه، موجی از اعتراض را در میان مردم به همراه داشت. مرحوم فلسفی که از مخالفین سرسخت این تصویبنامه بود، در یکی از روزهای سال ۱۳۴۱ در مسجد ارک سخنرانی کوبنده‌ای بر ضد تصویبنامه و نخست وزیر ایراد کرد. [خطرات و مبارزات فلسفی، ۲۵۸]

دولت علم که از هر سو در معرض فشار قرار گرفته بود و بیم طغیان عمومی می‌رفت، چاره را در لغو تصویبنامه دید و پس از لغو، تلگرافی آن را به اطلاع علما رساند. امام خمینی (ره) و سایر علما پس از مشاوره با یکدیگر اعلام کردند که باید خبر لغو تصویبنامه از طریق جراید و رادیو به اطلاع مردم برسد. با اطلاع یافتن مرحوم فلسفی از این تصمیم علما، در جلسه‌ای که در ۹ آذرماه ۱۳۴۱ در مسجد ارک و با حضور صدها نفر از طبقات مختلف مردم تشکیل شده بود، مرحوم فلسفی پس از مقدمه‌ای کوتاه درباره حقوق زن در اسلام و جلوگیری از تذبذب بیت‌المال گفت: «دولت آن تصویبنامه سابق را لغو کرد و تلگرافی هم به علما اطلاع داد و قرار بر این بود که در روزنامه‌ها هم درج و در رادیو نیز گفته شود، تا فردا شب به دولت وقت می‌دهیم اگر در روزنامه‌ها درج و در رادیو گفته شد که هیچ، و در غیر این صورت مسئول شخص دولت است». [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش ب. ۱۰۲۵، ۵۰] به هر حال با فشار روحانیون و افکار عمومی، رژیم مجبور به برآوردن خواسته آنان شد.

هنوز چند صباحی از این واقعه نگذشته بود که رژیم فاجعه مدرسه فیضیه را در تاریخ ایران رقم زد. در این حادثه عده‌ای از افراد بی‌گناه به خاک و خون کشیده شدند و مقدسات اسلامی مورد هتک حرمت قرار گرفت. از فردای این حادثه مراسم مختلفی در سراسر کشور برگزار شد و در این مراسم سخنرانان به ابعاد این فاجعه می‌پرداختند. قرار بود مراسمی نیز به همین مناسبت از



طرف آیت الله حکیم در مسجد ارک برگزار شود. اما رژیم که از شدت واکنش مردم در هراس بود، فوراً عده‌ای از ماموران برجسته خود را روانه مسجد کرد. تا در مسجد را بسته و اطراف آن مستقر شوند. مردمی که برای شرکت در مراسم به مسجد آمده بودند، وقتی با در بسته مسجد مواجه شدند، در خیابانهای اطراف مسجد جمع شده، شروع به تظاهرات کردند. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش ب- ۱۱۲، ۱۷۲]

نقش مسجد ارک در قیام ۱۵ خرداد

در اینجا مجال پرداختن به ریشه‌های قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیست، اما باید به طور گذرا اشاره کرد که نقش کانونهای مذهبی از جمله مساجد در زمینه آگاهی بخشی به مردم، برجستگی خاصی دارد. به طوری که کسی نمی‌تواند به تحلیل این قیام پردازد، در حالیکه به نقش این کانونها اشاره نکرده باشد.

در این زمینه جایگاه خاصی دارد. وی که به صورت دوره‌ای در مسجد ارک به سخنرانی می‌پرداخت، همواره مورد توجه رژیم بود و سعی می‌کردند به هر طریق ممکن صدای او را خفه کنند. تا جایی که در سال ۱۳۴۴ با یک توطئه از پیش طراحی شده، نقشه ترور او را کشیدند، اما سوء قصد آنان به ناکامی انجامید. بر اثر سوء قصد به فلسفی سخنرانی در مسجد ارک تعطیل شد. طبق گزارشهای ساواک تعطیل شدن سخنرانی مسجد ارک باعث واکنش طرفداران امام خمینی و بازاریان و نهضت آزادی گردید. آنان کتک خوردن فلسفی را از ناحیه ساواک می‌دانستند و چنین تحلیل می‌کردند که هدف دولت از این سوء قصد در واقع برچیدن بساط تبلیغ و سخنرانی و گسترش فرقه بهائیت بوده است. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش- ب ۱۰۲۹، ۶۴]

سوء قصد به سخنران مسجد ارک، ظاهراً به دو دلیل صورت گرفت: نخست آنکه مرحوم فلسفی بعد از تبعید امام نه تنها از انتقادات تند خویش علیه رژیم در منابر نکاست، بلکه در برخی موارد تندتر از گذشته به روش خویش ادامه داد. دوم آنکه تحلیل ساواک در آن زمان بر این بود که فلسفی از سیاستهای امام و طرفداران ایشان و نهضت آزادی گله مند است، [آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش- ب ۱۰۲۹، ۵۴] از این رو با طرح این توطئه درصدد برآمد تا این ترور را به طرفداران امام نسبت داده، هم خود را از انتقادات فلسفی رها سازد و هم از آتش فتنه این اقدام در امان بماند. تعطیلی سخنرانی در مسجد ارک تا سال ۱۳۴۵ به طول کشید. از اواخر همین سال مجدداً فعالیت سیاسی در مسجد با برپایی سخنرانی در ۱۱ دیماه ۱۳۴۵ از سرگرفته شد. مردم در این تجمع با انتقاد از دولت به خاطر تبعید امام به ترکیه با شعارهای خود بازگشت امام را خواستار شدند. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش- ب ۶۸۰، ۷۵]

مسجد ارک و حمایت از مبارزان فلسطینی

رژیم نه تنها از فعالیت سیاسی علیه خود به شدت در هراس بود، بلکه از برگزاری هرگونه مراسم در مسجد برضد دشمنان اسلام نیز واهمه داشت. در سال ۱۳۴۶ ه. ش به هنگامی که آیت الله غروی اعلام برپایی مجلس دعایی برای پیروزی اعراب بر اسرائیل کرده بود، مأمورین درهای مسجد را بستند. آیت الله

خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی

تدوین: علی دوانی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
بهار ۱۳۸۲

مسجد ارک تهران در این قیام وضعیت دیگری نسبت به دیگر مساجد این شهر داشت. این مسجد در بازار تهران و وعده‌گاه بازاریان مبارز و طالب اصلاحات بود. رژیم نیز بخوبی از این موضوع اطلاع داشت و سعی می‌کرد محل تجمع این بازاریان را تحت کنترل درآورد. اهمیت مسجد ارک در این قیام تا جایی است که به اعتقاد برخی شاهدان آن وقایع، اساساً حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از مسجد ارک شروع شد. و حتی ختم کشته شدگان این قیام نیز در مسجد ارک برگزار گردید که این خود همواره تبعات سیاسی فراوانی برای رژیم به همراه داشت. [مصاحبه با حبیب الله عطایی]

در بررسی و تحلیل حوادث به وقوع پیوسته در مسجد ارک، نباید از نقش سخنرانان مذهبی غافل بود. مرحوم محمدتقی فلسفی

سه مطلب مهم معطوف کرد. اول زمزمه آزادی سقط جنین و کورتاژ که قرار بود به صورت مصوبه قانونی درآید.

دوم نکوهش تبلیغات سرسام آور درباره عظمت کورش سوم انتقاد از رسانه‌های تبلیغی رژیم در تمجید و ستایش از رژیم ساسانی و سرزنش مسلمانان صدر اسلام.

در پایان سخنرانی، فلسفی درگذشت ناصر پسندیده را به امام خمینی تسلیت گفت. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ب- ۱۰۴۱، ۳۴] در واقع پس از تبعید امام این نخستین بار بود که نام ایشان علناً بر روی منابر به زبان آورده می‌شد. اما مهمترین مطلب در این سخنرانی انتقاد فلسفی از برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله بود که سرانجام همین انتقادات باعث ممنوعیت منبر وی تا سال ۱۳۵۷ شد. با ممنوعیت منبر فلسفی عملاً مسجد ارک از وجود یک واعظ سیاسی محروم ماند.

عمده فعالیت مسجد از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ بر حول محور مباحث اجتماعی و مذهبی بود. آیت‌الله مکارم شیرازی از سالهای ۱۳۵۱ به بعد از جمله شخصیت‌هایی بود که با طرح مباحث مذهبی جدید، مسجد ارک را همچنان فعال و زنده نگه می‌داشت. ایشان بجز تدریس قرآن و علوم دینی، اغلب به سخنرانی‌هایی درباره آثار عقاید اسلامی، عدالت امام علی (ع) و سیره حکومتی ایشان، نظام طبقاتی در اسلام، خواص روزه و... می‌پرداخت. علاوه بر این به تصویر کشیدن قیام امام حسین (ع) و انگیزه‌های آن از دیگر مباحث مطرح شده در این سالها بود. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ب- ۱۲۱۸، ۳۵، ۳۹]

عمده ترین و برجسته ترین فعالیت صورت گرفته در طول حیات مسجد ارک، در دو حادثه مهم در سال ۱۳۵۶؛ یعنی فوت دکتر علی شریعتی و شهادت آیت‌الله مصطفی خمینی متبلور شده است.

فوت شریعتی و نقش مسجد ارک در بیداری عمومی دکتر علی شریعتی در زمانه خود و در دوران نهضت در میان تحصیلکردگان و بسیاری از انقلابیون، هواداران فراوانی داشت. بنابراین فوت او ضایعه بزرگی برای روشنفکران جوان تلقی می‌شد. اما برگزاری مراسم ختم برای او به سبب پیامدهای سیاسی اش همیشه از سوی رژیم با محدودیت و ممانعت همراه بود. اتفاقاً در



غروی که همراه عده کثیری با در بسته مواجه شده بود به شدت متأثر شد و دستان خود را به سوی آسمان بلند کرد و در حالی که اشک می‌ریخت، برای پیروزی مسلمین دعا کرد. در این حالت مرحوم غروی خشم شدید مردم را برانگیخت و منجر به برپایی تظاهرات و سردادن شعارهای مرگ بر اسرائیل و «مرگ بر طرفداران اسرائیل» گردید. [دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ۵۵۷] از این زمان به بعد، محدودیتها و مراقبتهای ساواک بر این مسجد تشدید گردید. بررسی سیر جریانات به وقوع پیوسته در مسجد ارک از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ گویای این مطلب است که مجالس وعظ و سخنرانی و تبلیغ دانشمندان دینی سخت تحت مراقبت ساواک بوده است. بانیان مجالس و خود سخنوران شناسایی می‌شدند و اغلب جلسات هم به تعطیلی می‌انجامید. منع شدن منبرها غالباً علت مهمی نداشت؛ گاهی با یک افشاگری یا گوشه و کنایه زدن به مسائل مملکتی، برای چند ماه یا یک سال واعظ ممنوع المنبر می‌گردید. لذا فعالیت سیاسی در این مسجد در این سالها در یک حالت رکود به سر می‌برد و سخنوران بیشتر درباره مسائل مذهبی سخنرانی می‌کردند.

حیات سیاسی دوباره مسجد

فوت ناصر پسندیده در سال ۱۳۵۰ فعالیت‌های سیاسی مسجد ارک را وارد مرحله تازه‌ای کرد. این واقعه از آن جهت اهمیت دارد که مرحوم پسندیده برادرزاده امام بود و شرکت مردم در مراسم برگزار شده برای وی، یک تشفی خاطر برای امام و تحلیف مجدد با ایشان بود. دوم آنکه شرکت در مجالس ختم مرحوم پسندیده بهانه خوبی برای ابراز مخالفت علنی با تبعید امام و رژیم بود.

به هر حال برای مرحوم پسندیده در سراسر کشور از جمله تهران مجالس ختمی ترتیب دادند. یکی از این مجالس در مسجد ارک برگزار شد. قبل از برگزاری این ختم عده‌ای از روحانیون از جمله مرحوم شهید محلاتی و حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی این مجلس را محمل خوبی برای بیان مطالب سیاسی روز تشخیص دادند. لذا تصمیم گرفتند واعظی را دعوت نمایند که این مقصود را بخوبی به انجام رساند، که پس از مشورت فراوان مرحوم فلسفی برای مجلس مزبور پیشنهاد گردید. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ب- ۱۰۴۱، ۴۱] ساواک که به حساسیت این مراسم پی برده بود، پنج تن از نخبه‌ترین ماموران خود را روانه مسجد کرد. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ب- ۸۴۹، ۹۳] براساس گزارشهای باقی مانده از ساواک: حدود دو هزار نفر در این مجلس شرکت کرده بودند. در میان آنان چهره‌های میرز سیاسی و روحانی و غیر روحانی دیده می‌شد. این مجلس به یک معنا نوعی گردهمایی مخالفان سیاسی - مذهبی رژیم، آن هم در آستانه جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی بود. فلسفی که سخنرانی مجلس را برعهده داشت، توجه حاضران در مجلس و مقامات دولتی را به

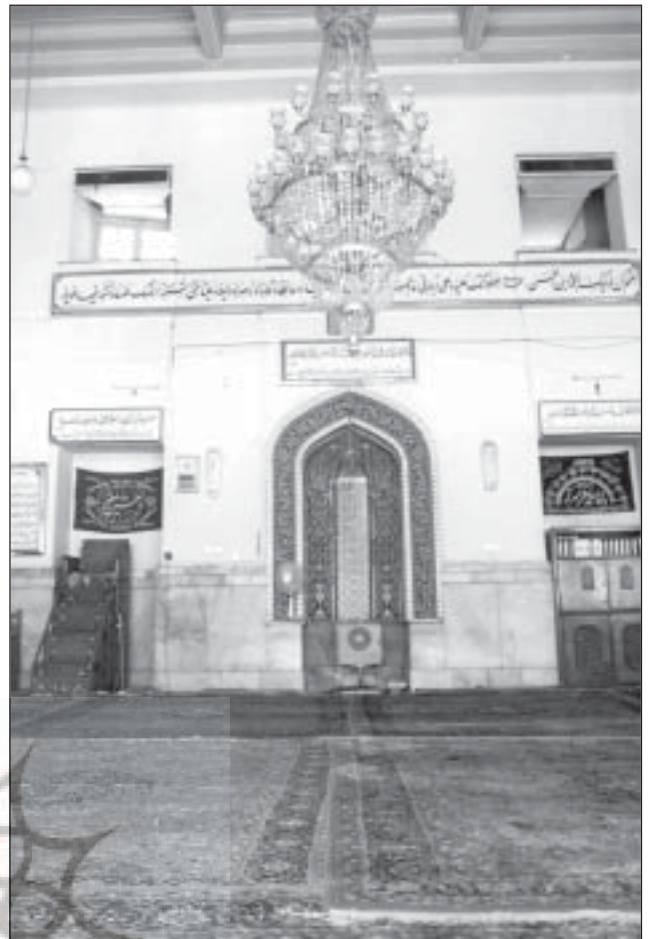
این موقع عده‌ای که اکثراً دانشجو به نظر می‌رسیدند، در حیاط مسجد شروع به سردادن شعار «دشمنت را می‌کشیم، قاتلت را می‌کشیم». [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ۳۱۲، ۸۱] نمودند و به دنبال آن جمعیت شروع به تظاهرات کردند. به منظور جلوگیری از سرایت تظاهرات به خیابان، مأمورین کلاتری ۱۳ درب مسجد را بسته و درصدد دستگیری عاملین و محرکین برآمدند که در نتیجه ۵۳ نفر دستگیر شدند. در جریان تظاهرات یک پلیس نیز از پهلو با چاقو مورد حمله قرار گرفت. از میان دستگیرشدگان، نه دانشجو مجرم اصلی و متهم به تحریک سایرین بودند که این افراد تا اواخر سال ۱۳۵۶ در زندان به سربردند. و سرانجام در ۹ اسفند همان سال برای همه آنها قرار محرومیت از تحصیل صادر شد. [روزنامه کیهان، شماره ۱۰۴۰۳، ۱۰/۱۲/۱۳۵۶]

همچنین تصمیم گرفته شده بود که در ۲ تیر ماه سال ۵۶ به مناسبت درگذشت شریعتی مجلس دیگری نیز در مسجد ارک برگزار شود. اطلاعیه‌ای نیز از طرف شخصیت‌های مختلف در رابطه با برگزاری این مراسم در مسجد ارک به روزنامه‌ها از جمله کیهان و اطلاعات و رستاخیز داده شده بود. اگرچه به علت فشار سیاسی از سوی رژیم، عدم برگزاری این مراسم توسط روزنامه‌ها به آگاهی مردم رسیده بود، اما در روز موعود عده نسبتاً زیادی از طبقات مختلف مردم به مسجد ارک مراجعه کردند و چون درب مسجد را بسته دیدند در میدان ارگ (۱۵ خرداد) تجمع کردند و اعتراض خود را اعلام داشتند. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ۳۱۲، ۱۹۲]

شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی و نقش مسجد ارک در بیداری مردم

دومین حادثه بزرگ و در واقع درخشانترین فعالیت صورت گرفته در مسجد ارک، در سال ۱۳۵۶ و هنگام شهادت آیت الله مصطفی خمینی به وقوع پیوست. مرحوم حاج آقا مصطفی به عنوان مدیر اجرایی و امور سیاسی حضرت امام، وظیفه سنگینی در جذب نیرو و ایجاد هماهنگی بین افراد و نیروهای انقلابی و مبارز برعهده داشت و شهادت او ضایعه بزرگی برای مبارزان مسلمان تلقی می‌شد.

به هر حال به محض رسیدن خبر شهادت حاج آقا مصطفی به تهران، محافل روحانی و سایر قشرهای مردم ضمن تأثر و تأسف



همان زمان پدر یکی از فعالان سیاسی؛ یعنی عبدالمجید معادپنخواه به رحمت خدا پیوست و قرار بود از سوی مهندس مهدی بازرگان و یدالله سبحانی برای او مجلس ختمی در مسجد ارک برگزار شود. اما همین مجلس به مراسم یادبود و ختم دکتر شریعتی تبدیل شد. آقای علی اکبر ناطق نوری که مسئولیت برگزاری جلسه را به عهده داشت در خاطرات خود می‌گوید: «مرحوم مطهری هم ایستاده بود، همه آقایان بودند. علماً بعد اعلام کردند که این ختم را ختم شریعتی هم اعلام کنیم و از آن استفاده کنیم. همین طور هر کس سؤال می‌کرد می‌گفتیم ختم شریعتی هم هست. یک وقت دیدیم جمعیت زیادی آمد که اکثراً جوان، دانشجو و استاد بودند که به نام شریعتی آمده بودند...». [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ۱۱۵۷۱]

حجة الاسلام معادپنخواه نیز می‌گوید: واعظی که آقای ناطق دعوت کرده بود پاسخگوی انتظارات مردم نبود و سخنرانی اش مجموعه‌ای را که در آنجا بود راضی نمی‌کرد. [مصاحبه با عبدالمجید معادپنخواه] حجت الاسلام والمسلمین ناطق نیز می‌افزاید: سخنرانی آن واعظ بیشتر حول مرگ و مردن و قیامت بود، لذا وقتی آن واعظ از منبر پایین آمد، سیدی که تازه از لبنان برگشته بود به منبر رفت و چند جمله در آن جهتی که علاقمندان دکتر شریعتی انتظار داشتند بیان کرد. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، مصاحبه با علی اکبر ناطق نوری، جلسه سوم، ش. ۱۱۵۷۱] طبق گزارش ساواک اکثر حاضران با شنیدن سخنان واعظ با صدای بلند شروع به گریه کردند. در



ب. ۳۱۶، ۳۴ و ۳۵] انتخاب یک سخنران برجسته برای این مراسم بسیار حساس و در عین حال قابل اهمیت بود. سرانجام پس از مشورت فراوان دکتر حسن روحانی انتخاب گردید. وی درباره انتخاب خویش برای این سخنرانی می‌گوید: «مرحوم مطهری به من زنگ زد و گفت می‌خواهیم دو مجلس مهم برقرار کنیم، یکی در تهران و دیگری در قم، شما یکی از دو شهر را انتخاب کنید و به منبر بروید. . .»

من جواب دادم که ممنوع المنبر هستم. او گفت: همین خوب است که شما ممنوع المنبرید، پس شما تهران را قبول کنید و همان بعد از ظهر زنگ زد که جلسه در مسجد ارک است.»

وی در ادامه خاطرات خود می‌گوید: «مرحوم مطهری و بازرگان صاحبان مجلس بودند. . . من چون ممنوع المنبر بودم، مطمئن بودم که دستگیر می‌شوم. لذا با مراجعه به یکی از دوستان مقداری پول گرفتم و [به خانواده] گفتم: من دارم می‌روم و دیگر بر نمی‌گردم؛ شما این پول را داشته باشید و اگر حادثه‌ای پیش آمد، من به فلانی و فلانی سفارش کرده‌ام. وصیت نامه‌ای هم نوشتم که اگر طوری شدم این را عمل کنید. . .»

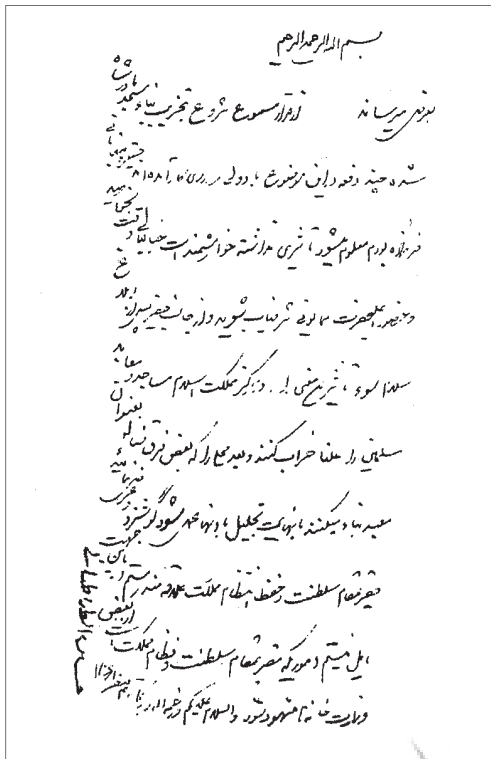
با آقای اکرمی به طرف مسجد ارک حرکت کردیم؛ طوری حرکت کردیم که از شروع مراسم به مجلس برسیم. این بدین علت بود که احتمال داشت که [ساواک بدانند] من می‌خواهم به منبر بروم و من را بیرون مجلس بگیرند، لذا زودتر رفتم که بعد از منبر ما را بگیرند. وقتی رسیدیم نیروهای نظامی فراوانی آمده بود. تمام خیابانهای اطراف مسجد ارک کامیونهای ارتش بود؛ نیروهای شهربانی خیلی آمده بود و جو نظامی بود. چند افسر شهربانی هم داخل حیاط [مسجد] بودند. حتی تعدادی ماشین پشت دادگستری چیده بودند. پشت بام مسجد هم نیرو بود [مصاحبه با حسن روحانی] طبق گزارش ساواک عده زیادی از مردم قم نیز به وسیله اتوبوسهایی که از طرف آیت الله شیخ مرتضی حائری و به دستور مرحوم آیت الله پسنیدیه اجاره شده بود، به تهران و به مسجد ارک آمده بودند. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ب. ۸۶۹، ۳۰]

دکتر حسن روحانی وارد مسجد شد و به محض ورود بر روی منبر قرار گرفت و به ایراد سخنرانی تاریخی خود پرداخت. مهمترین بخش این سخنرانی در آن شرائط تاریخی، پیشنهاد واژه «امام» به جای آیت الله خمینی بود که توسط حسن روحانی مطرح شد. آقای روحانی در واقع با تمسک به آیه «واذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماماً» [بقره/۱۲۴] کلمه امام را برگزیده بود. ایشان در آن سخنرانی با تمسک به این آیه گفت: «من یک لقب برای مرجع بزرگ و رهبر عظیم الشان، آن ابراهیم زمان می‌پسندم و آن لقب امام است. [نوار سخنرانی حسن روحانی] درباره انتخاب این واژه آقای روحانی می‌گوید: «من در مسیر راه که به مسجد می‌آمدم اصل اینکه در سخنرانی از کجا وارد بحث شوم در ذهنم بود، شب قبل فکر کرده بودم و در ذهنم این بود که امام را تطبیق دهم به ابراهیم خلیل و حاج مصطفی را به اسماعیل و حتی آیه هم در ذهنم بود و شب قبل فکر کرده بودم.» [مصاحبه با حسن روحانی]

شدید، مجالس ختم متعدد و پرشکوهی برگزار کردند. اولین مجلس ختم از طرف جامعه روحانیت مبارز و علمای تهران در مسجد جامع برگزار شد. شرکت انبوه جمعیت در مجلس ختم مسجد جامع و عکس‌العمل آن در قشرهای مختلف موجب شد که ساواک دستور دهد تا جراید از چاپ آگهی سایر مجالس ختم فرزند امام خودداری کنند. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ب. ۳۹۴، ۱۰۲] رژیم تمام تدابیر لازم را برای ممانعت از تبلیغ مجلس ختم در مسجد ارک به کار گرفت، ولی مؤثر واقع نشد و آگهی‌هایی مخفیانه در داخل دانشگاهها، مساجد و حتی مدارس نصب شد. رژیم که بشدت از ابراز هرگونه واکنش از طرف شرکت کنندگان در بیم بود، تعداد بیشماری از مأموران خود را به مراسم مذکور فرستاد، تا هرگونه عکس‌العمل را با دقت کنترل کنند. کثرت گزارشهایی که درباره این مراسم باقی مانده است، مؤید این مطلب است.

در ۸ آبانماه ۱۳۵۶ حدود هشت هزار نفر در مسجد ارک جمع شدند تا در سوگ پاره تن امام عزاداری کنند و با این حرکت نفرت خود را از رژیم حاکم ابراز کنند. [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش.





پس از پایان سخنرانی با اینکه مأمورین مسجد را محاصره کرده بودند، دکتر روحانی با مساعدت آقای ناطق نوری مسجد را ترک کرد، ولی مدتها تحت تعقیب ساواک بود. سخنرانی وی در مسجد ارک و مراسم دیگری که برای ترحیم فرزند امام برگزار گردید، تأثیر فوق العاده ای در او جگیری فعالیت‌های انقلابی داشت. در یکی از گزارش‌های ساواک درباره مراسم مسجد ارک آمده است: «تجلیل روحانیون، بازاریان و دانشجویان و افراد عادی در خلال برگزاری مراسم ختم در مسجد ارک از [امام] خمینی، باعث شد که مردم یک بار دیگر بازگشت ایشان را از تبعید خواستار شوند». [آرشیو مرکز اسناد انقلاب، ش. ب - ۳۹۴، ۲۵]

این سخنرانی و مراسم در مسجد ارک به قدری در جذب و پیوستگی نیروها مؤثر بود که حتی تحلیلگر رادیویی بی‌سی نیز به آن اذعان کرد. این رادیو در گزارش روزانه خود می‌گوید: «پس از مرگ پسر [امام] خمینی یادبودی که برایش در مسجد ارک برگزار کردند، نقطه تجمعی شد برای همه قشرهای پیشرو، لیبرال و آزادیخواه و جنبه ملی و گروه‌های چپ. و هرچه که بود غیر از نظام حکومتی، چهره‌های برجسته اش آنجا ظاهر شدند، پیدا بود رهبر انقلابی توانسته است همه اینها را جمع و بسیج کند». [باقی، تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران، ۲۶۱] به هر حال ختم دکتر شریعتی و پس از آن ختم فرزند امام و اکنش‌های سیاسی و نتایج منفی برای رژیم در پی داشت، تا جایی که کلانتری بازار که در حوالی مسجد ارک بود از ساواک درخواست تعطیلی مراسم ختم در مسجد مزبور را کرد، اما ساواک با این درخواست موافقت نکرد، زیرا به نظر آنان این پیشنهاد «موجب دستاویزی برای مخالفین می‌شد که در وضعیت سیاسی موجود به مصلحت نیست». [«یاد»، ش ۳۵ و ۳۶، سال نهم، پاییز و زمستان ۷۳، ۸۳]

اگرچه تلاش‌های کلانتری بازار به جایی نرسید، ولی این پایان ماجرا نبود. زیرا با وجود آنکه در مسجد به روی حاضران گشوده بود، ولی فعالیت‌های سیاسی افراد بشدت کنترل می‌شد. در پایان با یک دید روشنگرایانه و یک بازشناسی کلی از سیر جریانات به وقوع پیوسته در مسجد ارک، باید گفت که حوادث سیاسی و فرهنگی و تعامل این دو مؤلفه با یکدیگر در طول نهضت انقلابی از یک «تداوم پیش رونده و نه منفعل» تبعیت می‌کردند. درست است که گاه به دلیل فعالیت‌های شدید مبارزان سیاسی، مسجد به تعطیلی کشیده می‌شد، ولی این امر موقتی و گذرا و



ناشی از ناکارآمدی رژیم در کنترل امور بود.

منابع:

۱. آرشیو خصوصی نگارنده
۲. آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۳. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۴. باقی، علی، تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران (داستان انقلاب از رادیویی بی‌سی) تفکر، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳
۵. بامداد، مهدوی، شرح حال رجال ایران، زوار، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۱
۶. خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۲
۷. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه
۹. سپهر، محمد تقی خان لسان الملک، نسخ التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر، اساطیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷
۱۰. شهری، جعفر، تهران قدیم، معین، تهران، ۱۳۷۰
۱۱. «کیهان»
۱۲. مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱
۱۳. مصاحبه با جواد کاشانی
۱۴. مصاحبه با حبیب الله عطایی
۱۵. مصاحبه با عبدالمجید معادیخواه
۱۶. مصاحبه با حسن روحانی
۱۷. موسوی عبادی، علی اصغر، شهرداران تهران از عهد ناصری تا دولت خاتمی، نشر خرم، قم، ۱۳۷۸
۱۸. نوار سخنرانی حسن روحانی
۱۹. «وقایع الاتفاقیه»، شماره ۲۶۱
۲۰. «یاد» (فصلنامه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی)، شماره ۳۵ و ۳۶